

تا سقوط «صدام» یک تکبیر فاصله است جمله‌ای بود که با خط درشت در ابتدای پل شناوری که به نام پل کربلا نامگذاری شده بود، خردمندی می‌کرد و... بعد تابلوی «به خرمشهر خوش آمدید» یعنی که خرمشهر بسیار نزدیک است و این راه شما را به دیار حماسه و شهامت، خرمشهر خونین می‌رساند. این پل نقش حیاتی را در آزادسازی خرمشهر ایفا می‌کند، و رزمندگان، مهمات، تدارکات و ماشین آلات را به خرمشهر نزدیک می‌کند. روی پل ترافیک سنگینی از کامیونها، تانکها، خودروها و بلدوزرها و... که بی‌صبرانه در انتظار آزادسازی خرمشهر هستند صف کشیده‌اند. گرد و خاک چشمان مومنین خدا و چهره‌های بشاش آنها را که شوق حماسه آفرینی و شهادت گلگون کرده، در خود گرفته است. گویی همه رنگ و بوی خاک گرفته‌اند و برآستی می‌توان آنها را به صفت رهبرشان (علی) خواند: «بوتراب» فرزند خاک و تنها این بندگان خدا، فرزندان خاک و فرزندان خمینی هستند که میتوان تمام تپش‌های قلب را نتار گامهایشان کرد.

... اینجا جبهه دارخوین و یکی از محورهای فعال عملیات «الی بیت المقدس» است. دارخوین از جبهه‌های بسیار حساسی است که هزاران هزار رزمنده توانمند اسلام توانسته‌اند خود را از این منطقه به خرمشهر رسانند و در جنگ و ستیزی قهرمانانه با مزدوران اشغالگر بپردازند.

عملیات مهندسی این جبهه نیز مانند سایر جبهه‌های جنگ بر عهده جهاد سازندگی می‌باشد این گزارش، گوشه‌ای از فعالیت جهاد فارس و مصاحبه با مسئولین مهندسی این جبهه می‌باشد که توسط یکی از برادران جهاد سازندگی تهیه شده است:

«از جاده اهواز آبادان وارد یک جاده فرعی می‌شویم تا به جبهه دارخوین برویم. اولین آثار فعالیت‌های جهاد در همان لحظه اول نمودار می‌شود، این جاده فرعی که از لحاظ تدارکاتی دارای اهمیت بسیار است. قبل از حمله بیت المقدس بوسیله برادران جهاد فارس احداث شده بود و در طول دو طرف آن نیز دو خاکریز، جاده و حرکت وسایل نقلیه را از دید مزدوران یعنی پوشیده نگه می‌داشت. این جاده تا لب رود کارون امتداد داشت و دنباله آن پس از عبور از رود کارون به قلب مواضع صدامیان منتهی میشد. قنبری جلودر میرویم و به ستاد تخلیه شهدا و مرکز اورژانس که بوسیله جهاد سازندگی احداث شده، میرسیم. در ستاد تخلیه آنجا آمبولانسها و دیگر خودروها و هلی کوپترها حمل مجروحین و شهدا را بعهده دارند در مسیر جاده پلاکاردهای مختلف و تابلهای راهنما که با لرم ستاد پشتیبانی

## گزارشی از جبهه دارخوین و فعالیت جهاد فارس

# تاسقوط صدام یک تکبیر فاصله است

جبهه‌های جنوب مشخص شده‌اند، به چشم می‌خورند. ادامه راه به محوطه‌ای میرسیم که با تابلو «مهندسی» مشخص شده و در آن لودرها و بلدوزرها و کامیونها و خودروهای جهاد سازندگی فارس استقرار یافته‌اند. جهاد فارس اگر چه نقش اصلی در این جبهه را به عهده دارد، اما جهاد خوزستان نیز همکاری نزدیکی با جهاد فارس دارد. در ادامه راه به رود کارون و پل بزرگی که روز قبل بر روی آن بسته شده است میرسیم، پلی که هواپیمای عراقی بارها و بارها تلاش کرده بودند که آنرا منهدم کنند اما هیچگاه موفق به نزدیکی پل نشده و چندین بار نیز بمبهای خود را بیابانها اطراف ریخته و گریخته‌اند. دوطرف رودخانه کارون جایی که پل احداث شده باتلاقی است. جاده‌ای که به پل منتهی می‌شده در نزدیکی پل از میان باتلاق‌ها می‌گذرد و سطح جاده را چند وجب خاک پوشانده است و با عبور وسایل نقلیه از روی این جاده و پل مقدار زیادی خاک به هوا بلند می‌شود.

روز قبل در این منطقه درگیری شدیدی صورت گرفته بود و بنابه اظهار شاهدان رزمندگان

ما با یورش قهرمانانه خود تانکها و تجهیزات بعثیها را به آتش کشیده بودند پیشاپیش تانکها لودرها و بلدوزرهای جهاد برای کندن سنگر و احداث خاکریز در حرکت بودند و با احداث کیلومتر خاکریز و دهها سنگر و... جان بسیاری از رزمندگان را نجات داده بودند.

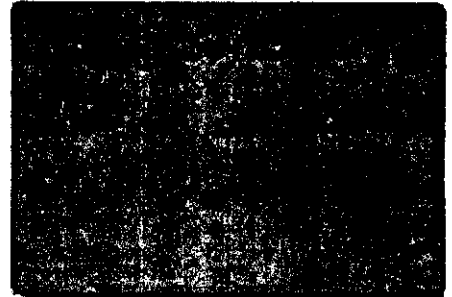
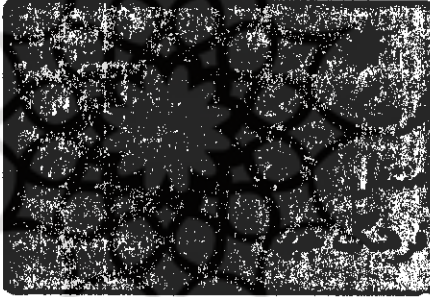
وقتی که برادران ارتش و سپاه برخوردیم یکم و از جهاد سخن به میان می‌آوریم آنها نیز می‌گویند: «باید از برادران جهاد تقدیر کرد کار اصلی را آنها انجام می‌دهند ولی یاری از آنها نمی‌شود» پیش واحد تانک میرویم افسر نگهبان چنین می‌گوید: اگر جهاد نباشد از ما کاری بر نمی‌آید. آنها شبها تا صبح کار می‌کنند و روزها نیز حتی در حین عملیات و بعد از آن هم دست از فعالیت نمی‌کشند. یکی از برادران مسئول جهاد فارس می‌گفت: برادرانی با ما همکاری کرده و می‌کنند که گاهی اوقات بعد از ۴۸ ساعت کار از حال طبیعی خارج شده و پشت لودرها و بلدوزرها بیهوش می‌شوند. نیروهای پیاده وقتی عملیات انجام میدهند بعد از آن چند روزی استراحت می‌کنند ولی برادران

فرهنگ جنگ را به سرتاسر ایران منتقل کرد و فرهنگ همه جا باید فرهنگ جبهه باشد و هر خانه و هر مرکزی از این نظر سنگری مستحکم و استوار باشد.

به هرجا که سر می زدیم و با هر کس که از جنگ و جبهه سخن می گفتیم جهاد سازندگی نیز مطرح می شد و به نحو چشمگیری جهاد و جبهه در هم آمیخته و با هم پیوند یافته بودند.

### گفتگو با مسئول مهندسی

برای اینکه از کارهای جهاد فارس در حمله «بیت المقدس» بیشتر بدانیم به سراغ برادر شمالی مسئول مهندسی یکی از محورهای جبهه دارخوین رفته و با وی به گفتگو نشستیم. وی در مورد کارهای جهاد در جریان این حمله چنین می گوید: «کل کار جهاد در رابطه با این عملیات در سه مرحله است که شامل مراحل قبل از عملیات در حین عملیات و بعد از عملیات است در مرحله اول، که قبل از حمله می باشد باید جبهه آماده شده و به نیروها و ادوات زرهی استحکامات لازم برای حمله داده شود تمام مواضع نیروها و توپخانه و خودروها و زیرسازی جاده ها و جاده کشتی و سنگسازی و... همه و همه باید آماده شوند در عملیات بیت المقدس برای انجام قسمت جهاد فارس از یک ماه قبل شروع به فعالیت نموده و راههای تدارکاتی مهمی از جمله زیرسازی و شن ریزی جاده تدارکاتی نزدیک «دکل ابوزر» که «دو پل الزمان» و «نصاری یک» نیز بر روی آن نصب شده صورت گرفته است. بیشتر این جاده ها چون در منطقه ای باتلاقی احداث شده اند از اهمیت خاصی برخوردارند و زیرسازی و شن ریزی آن بسیار دشوار است. جهادگران از یک ماه قبل برای ساختن این جاده ها و احداث خاکریز در دیواره آن ماموریت یافته و توانستند ۸ کیلومتر جاده را تا پل کارون احداث نمایند. البته به علت کمبود مواد لازم برای زیرسازی این جاده از زیرسازی و اسفالت جاده قدیم اهواز - آبادان استفاده کرده و کار را به پایان رساندیم. همچنین قبل از احداث بر روی کارون برای پیاده شدن و سوار شدن نیروها و انتقال زخمی ها به قایقهای نیروی دریایی در رود کارون ساحل سازی لازم صورت گرفت که سبب تسریع کارها گردید. ضمناً جهاد با احداث سنگر و خاکریز توانسته است حدود ۲۰۰ قیضه توپخانه و ۵ یا ۶ تیب زرهی ارتش را در منطقه دارخوین مستقر کند برای برادران نیروی هوایی باند هلی کوپتر آماده شده بقیه در صفحه ۶۸



حرکت لودرها و بلدوزرها فکر می کرد که نیروهای بسیاری در آنجا مستقر هستند و جرات حمله به آنان را نداشت. جهادگران از پیر و جوان در جبهه به چشم می خوردند و رانندگان لودر و بلدوزرها را نیز اکثراً جوانهای ۱۴ یا ۱۵ ساله تشکیل می دهند. همچنین در نزدیکی حمله نیز تعداد زیادی نیرو در رشته های مختلف با امکانات و تجهیزات و لوازم زیادی که از طرف مردم و نهادها هدیه شده بود به جبهه ها سرازیر شده و شور و شوق عجیبی را در قلب رزمندگان به پا کرده بودند و حتی بسیاری از مراکز جهاد در استانهای دیگر به کلی کار خود را تعطیل کرده و به جبهه آمده بودند.

این نیروها کارهای مختلفی را در زمینه های بهداشتی و پزشکی، فرهنگی، تدارکاتی، تعمیراتی و تبلیغاتی و عملیاتی و... انجام میدادند. به تجربه ثابت شده بود که فعالیتهای تبلیغی و فرهنگی در پیروزی رزمندگان نقش عمده ای را بازی می کند و در هر جبهه ای که فعالیتهای تبلیغی شدیدتر بوده پیروزیهای بیشتری نصیب گردیده است و به طور کلی برای پیروزی کاملتر باید

جهاد چنین نیستند قبل و در حین عملیات و بعد از آن نیز کار کرده و مواضع نیروها را مستحکم میکنند. برغم تمام این سختیها و پرکاریها جهادگران وقتی که بعد از کار طولانی به سنگرهایشان باز می گردند بارو حیه ای عالی و شاد بایکدیگر به گفتگو و شوخی می نشینند و انسان را از قدرت ایمان خود متعجب می سازند.

در مورد همکاری جهادگران در پیشروی سخنها بسیار است که به یکی از آنها اشاره ای می نمایم. یکی از حملات نیروهای پیاده و زرهی بعد از پیشروی بدلاتلی عقب نشینی می کنند و لودرها و بلدوزرهای جهاد آخرین گروهی بوده اند که دست به عقب نشینی می زنند. بعد از قدری عقب نشینی در مواضع بعدی خطوط مقدم مستقر می شوند و دیگر رزمندگان که بعد از ۲۴ ساعت عملیات خسته شده بودند دسته دسته به عقب برمیگردند و تنها جهادگران بدون هیچگونه سلاحی در خطوط مقدم باقی می ماندند و از مواضع حفاظت می کنند دشمن بی خبر از اینکه نیروهای مسلح عقب نشینی کرده اند با دیدن گرد و خاک ناشی از

## جهادسازندگی باید .....

فرهنگی، عمران و آبادی کشور، بیش از پیش کوشا خواهد بود، مخصوصاً در موقعیت فعلی که بازسازی مناطق جنگی در قسمت روستاها بعهده جهاد واگذار میشود، مسئولیت جهاد سنگین تر شده و انشاء... باید علاوه بر آباد کردن خرابیهای به ارث رسیده از رژیم گذشته، ویرانیهایی که در اثر جنگ تحمیلی بوجود آمده است، بوسیله این نهاد آباد گردد و قطعا در این قسمت دولت و مردم اینارگر همیاری لازم را انجام خواهند داد.

س - به طور کلی نقاط ضعف جهاد را چه می بینید؟

ج - جهادسازندگی همانطوریکه دراول عرایضم، گفتم، نهادی است بسیار ارزنده و انقلابی، مردمی و مفید و می توان گفت که این نهاد است که پیام انقلاب را به روستاها می رساند و روستائیان را از معرومیت فرهنگی و اقتصادی بیرون می آورد و البته خدمات جهاد احتیاج به توضیح ندارد. خصوصاً درجهه های جنگ نقش بسیار موثری داشته است من خودم در عملیات فتح المبین آنجا بودم و راهها و خاکریزهایی را که جهاد احداث کرده

از نزدیک دیدیم. بطور کلی مهندسی بعهده جهاد بود و جدا در پیروزی جنگ جهادگران عزیز، نقش موثری داشتند. و تمام این خدمات را زیر باران گلوله انجام میدادند، در هر حال خیلی باید تقدیر کرد از این عزیزان.

در عین حال در مورد نواقص و نارسائیها سوال کردید، یکی از این موارد بطوریکه در بعضی از نامه تذکر میدهند رسوخ افراد غیر متعهد و نایاب در جهاد است، مسئولین باید توجه بیشتری بکنند و نگذارند، افراد غیر متعهد و کسانی که در درصد در خط امام و انقلاب نیستند به این نهاد مقدس راه پیدا کنند.

دیگر بی نظمیهای بعضی اوقات در بعضی از نقاط مشاهده میشد، و کارهایی که از روی برنامه نبوده انجام میشد، شاید این موضوع هم از روی حسن نیت برادران جهادگران بوده که خواسته اند کار انقلابی و حزب الهی انجام دهند، ولی کار حزب الهی منافاتی با منظم بودن و کار انقلابی منافاتی با برنامه داشتن ندارد. ما باید سعی کنیم بوروکراسی و قوانین دست و پاگیر در این نهاد وجود نداشته باشد. اما یک قوانین و نظم و انسجام و برنامه در هر کاری لازم است.

امیرالمومنین (ع) به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در وصایای آخر عمرش وصیت میکند که شما را سفارش می کنم که در کارهایتان منظم باشید. امیدواریم که به این مسائل توجه شود، بیش از پیش رعایت نظم و انضباط و هماهنگی با دولت جمهوری اسلام ایجاد گردد. و دیگر اینکه سعی شود افراد نایاب که خیلی نادر هستند ولی همین نادر هم نباید در این نهاد مقدس، انقلابی و مردمی وجود داشته باشد. کنار گذارده شوند و افراد صد درصد در خط امام باید این مسئولیتها را بعهده بگیرند تا اینکه سوزهای بدست دشمن نیافتند و بهتر و بیشتر بتوانیم خرابیهای را که میراث رژیم شاهنشاهی بوده از بین ببریم. و این مسئولیت اخیر - بازسازی مناطق جنگی - که بعهده جهاد است، امیدواریم به نحو احسن صورت پذیرد و بزودی بازسازی روستاهای جنگ زده آغاز شود. و هموطنان ما اوارگان جنگ شهرهایشان برگردند و با همکاری جهادنیات و آرامش پیدا کنند.

قطعا این عزیزان از اخلاص بیشتری برخوردار هستند و بیشتر موفقیتشان مرهون همین اخلاص و خلوص در نیت است. امیدوارم مورد شمول و رحمت بیشتر پروردگار و عنایات غیبی باشند. والسلام

## تا سقوط صدام .....

و در احداث قرارگاه کر بلا نیز جهاد فارس نقش به سزایی داشته است، چند دکل دیده بانی بسیار مهم به سرپرستی برادر شهید رضا رحیمی در نزدیکی دشمن احداث گردیده و در نصب پل جاده شهید دستغیب نقش عمده ای به عهده داشته ایم.»

برادر شمانلی در ادامه سخنان خود به دیگر فعالیت های جهاد فارس و موارد زیر اشاره کرد و چنین گفت: «احداث محوطه ای برای تخلیه شهدا، احداث سنگر بهداری و مستقر نمودن چهار قبضه کاتیوشا با تمام تجهیزات، قیرپاشی جاده ها، انجام تدارکات و جابجائی توپخانه و انتقال مهمات از شوش به دارخوین، ابرسانی به جبهه ها و...»

وی در مورد مرحله دوم که عملیات در حین حمله می باشد چنین می گوید: «با آغاز حمله ما در ساعت ۹ شب دستگاہهایمان را به حرکت در آورده و همراه یکی از برادران سپاه که منطقه عملیات را شناسایی کرده بود شروع به پیشروی کرد. بعد از عبور از پل کازون چون تا کنون هیچ وسیله نقلیه ای به انظار نرفته بود از همانجا به طرف خط اول جبهه شروع به جاده سازی کردیم، این جاده نیز در منطقه باتلاقی به طول ۱۰ کیلومتر در همان ساعات اول احداث گردید و مهمات و تجهیزات از

آنجا به خط اول برده و مجروحین به پشت جبهه منتقل می شدند بعد از آن در سه محور به احداث خاکریز پرداختیم که سه کیلومتر خاکریز در زیر آتش شدید دشمن احداث گردید. صبح روز بعد اولین خودروهای که از میدان مین رد شدند لودرها و بلدوزرهای جهاد بود که توانستند خود را به نیروهای پیاده خط مقدم برسانند و این جهادگران به حدی به دشمن نزدیک شده بودند که از آنجا خرمشهر به خوبی به چشم دیده می دیدند.

در اینجا برادران ارتش و سپاه گفتند که ما نیاز به خاکریز داریم برادران جهاد به سرعت به احداث خاکریز در ۶۰۰ متری دشمن و در منطقه باتلاقی پرداختند. لودرها و بلدوزرها در زیر آتش مستقیم و شدید دشمن موفق شدند ۴۰۰ متر خاکریز را احداث نمایند و بعد از آن به احداث محل استقرار توپخانه ها پرداختند.

در مرحله سوم جهادگران تلاش خود را چند برابر کرده و به سرعت مواضع تصرف شده را مستحکم کرده و با احداث دهها سنگر و کیلومترها خاکریز و جاده پیروزی را تثبیت کرده و علاوه بر آن با این کارها ضدحمله های دشمن را به خوبی خنثی نمودند. البته فعالیتهای مرحله سوم هنوز هم ادامه دارد و باید

بگویم که از هم اکنون نیز کارهای ما برای حمله های بعد آغاز گردیده است.»

برادر شمانلی در ادامه گفت: «همچنین تذکر این نکته ضروری است که تمام این کارها در زیر آتش شدید دشمن صورت گرفت با کمترین تلفات همراه بود و این هم خود از امدادهای غیبی خداوند به جهادگران و رزمندگان است. در تمامی لحظات این امدادهای غیبی شامل حال ما می باشد، مثلاً در روز عملیات و بعد از آن باد به طرز عجیبی شروع به وزیدن نموده و گرد و خاک بسیار زیادی را به طرف دشمن هدایت می کرد که در نتیجه دید دشمن به کلی کور شده بود.

علاوه بر این فعالیتها، جهاد فارس در زمینه فرهنگی در حمله فعالیتهای خوبی داشت و با تبلیغات و اعزام روحانیون به جبهه ها و در اختیار قرار دادن روزنامه ها و مجلات و مقالات مختلف و تهیه بازوبندها و سربندها و پرچم ها و تابلوهای راهنمایی و... رزمندگان را یاری داده است.

ضمناً در زمینه پزشکی و بهداشتی جهاد فارس در سرتاسر جبهه حضور مداوم داشته و با بهداشتی نمودن جبهه و رسیدگی به رزمندگان و مجروحین و احداث مراکز بهداشتی مختلف در احیاء سلامت رزمندگان و تقویت آنان مفید بوده است.